

بررسی تطبیقی تربیت قرآنی از دیدگاه شهید مرتضی مطهری و محمد قطب

امیر مرادی^۱

چکیده

پرداختن به تربیت قرآنی ضروری است، اما نیازمند پژوهش‌های جامع و نوآورانه در منابع دینی هستیم. این پژوهش به بررسی تطبیقی دیدگاه‌های شهید مطهری و سید قطب درباره تربیت قرآنی می‌پردازد و به این سوال پاسخ می‌دهد که وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌های این دو اندیشمند چیست. روش پژوهش کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی-استنباطی است که براساس مطالعه اسنادی و روش تطبیقی، به استخراج وجوه اشتراک و افتراق آراء آن‌ها در حوزه‌های مختلف تربیت قرآنی می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که هر دو اندیشمند در بحث انسان‌شناسی، به ابعاد وجودی انسان (جسمی، عقلی، روحی) و پرورش آن‌ها معتقدند و برای آن برنامه دارند. با این حال، مطهری انسان کامل را پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام می‌داند، در حالی که قطب معتقد است با تربیت صحیح می‌توان جایگاه انسان را ارتقا داد. در مجموع، هر دو متفکر نگاهی نزدیک به هم دارند، اما دیدگاه مطهری به دلیل استفاده از فلسفه و سایر منابع، گسترده‌تر و جامع‌تر است.

واژه‌های کلیدی: بررسی تطبیقی، تربیت قرآنی، اهداف و روش‌های تربیت.

۱. استادیار گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران، a.moradii@cfu.ac.ir

۱. مقدمه

ما در دوران خاصی قرار گرفته‌ایم که ویژگی‌های جدیدی نسبت به گذشته در آن در حال ظهور است. پویایی هر نظام تربیتی در این است که اصول، روش‌ها و کارکردهای خود را از حالت ایستا خارج کرده و خواسته‌هایش را متناسب با دگرگونی‌های محیطی، شاداب و زنده نگه دارد. از تربیت قرآنی سخن می‌گوییم و نظام تعلیم و تربیت ما، خصیصه‌ی اسلامی بودن را دارد. از آنجا که فرهنگ کشور ما، فرهنگی دینی، اسلامی و قرآنی است، تربیت ما به یک معنا، قرآنی خواهد بود (باقری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۸).

قرآن کریم کلام بی‌نظیر خداوند است و در بین این همه موجودات، مخاطب آن انسان است؛ انسانی که دارای روحی الهی، قلبی برای فهمیدن و دلی برای ادراک کردن است. در اعتبار و ارزش قرآن، همین بس که سخن بی‌مانند خداست و در اعتبار و ارزش انسان همین بس که هم‌سخن و مخاطب خداوند برای وحی است. قرآن به عنوان یک کتاب آسمانی، کاملاً غیر بشری و نازل شده من عندالله و از جهان غیب، بر هر کس که قرائت شود یا قرائت کند، به شدت تحت تأثیر کلمات معنوی آن قرار می‌گیرد. هیچ‌گاه از خواندن آن خستگی و ملالت حاصل نمی‌آید، بلکه هر لحظه آدمی را که صاحب دلی پذیرا و قلبی صاف باشد، به سوی خود می‌کشاند و در واقع صاحب جاذبه‌ای قوی و نیرومند است. این است که هر کس به سمت آن می‌رود، به گونه‌ای از آن تأثیر گرفته و لاجرم نمی‌تواند این تأثیر را پنهان کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۸، ص ۱۷-۱۸).

نگاه تربیتی قرآن در میان سایر مکاتب تربیتی، پرمراجعه‌کننده‌ترین نگاه به حساب می‌آید. مترجم و مفسری وجود ندارد که پیرامون آیات تربیت در قرآن درنگی نکرده باشد. هر پژوهشگر مسلمانی ناگزیر بوده و خواهد بود که در تحقیقات تربیتی خود به الهام‌گیری از قرآن بپردازد. با توجه به چنین واقعیتی، نوآوری در این عرصه، کار باورنکردنی ولی ممکن می‌نماید، به این دلیل که قرآن ژرفای نامتناهی دارد (سجادی، ۱۳۹۰، ص ۵۳).

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که قرن بیست و یکم با چالش‌هایی که در دل دارد، پای به عرصه گذاشته است. این چالش‌ها، همچنان که در هر حوزه‌ای از فعالیت‌های بشری به گونه‌ای آشکار خواهد شد، در حوزه تربیت دینی و قرآنی نیز، به تناسب آن حضور

تردیدآفرین و شکننده خود را نشان خواهد داد. سخن گفتن از تربیت قرآنی در قرن بیست و یکم، مستلزم آن است که تربیت قرآنی در جلوه‌ای آشکار شود که یارای مقاومت در برابر چالش‌های این قرن را داشته باشد. یکی از مهم‌ترین وجوه این چالش‌ها را می‌توان در ویژگی ساختارشکنی این قرن از مفاهیم و وضعیت‌های متقابلی جستجو کرد که به لحاظ اخلاقی و دینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. رویارویی با این چالش‌ها در گروه فهم صحیح تربیت قرآنی است (باقری، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۷). از این‌رو، باید تربیت قرآنی و حوزه‌های مختلف آن از دیدگاه متفکران برجسته مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد، چرا که تبیین و شناسایی، این امکان را پدید می‌آورد که رویارویی مؤثرتری میان تربیت قرآنی و چالش‌های قرن حاضر صورت پذیرد.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پژوهش‌های ثبت شده در مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران و سایر منابع نشان می‌دهد که این موضوع تاکنون در داخل و خارج از کشور به صورت جامع مورد پژوهش قرار نگرفته است. پژوهش‌های مشابه نیز بیشتر به صورت کلی و تنها بر یکی از مفاهیم تربیت و حوزه‌های مختلف آن متمرکز بوده‌اند. برای نمونه:

- احمدی (۱۳۸۶) در پژوهش «رابطه دین و تمدن از دیدگاه سید قطب و شهید مطهری» به این نتیجه رسید که از دیدگاه سید قطب، دین به معنای شیوه زندگی و تمدن به معنای پیشرفت مادی و معنوی است. شهید مطهری نیز گاه تمدن را به همین معنا و گاه مترادف با فرهنگ تعریف کرده است. هر دو معتقدند که انحطاط تمدن اسلامی ریشه در دوری مسلمانان از آموزه‌های اصیل اسلام دارد و تمدن موجود بدون توجه به دین و معنویات، نمی‌تواند زمینه سعادت بشر را فراهم کند (احمدی، ۱۳۸۶).
- نوری (۱۳۹۱) در پژوهش «احیاء فکر دینی: مقایسه آراء سید قطب و شهید مطهری» نتیجه گرفت که سید قطب و شهید مطهری معتقدند، اولین و مهم‌ترین اقدام در احیاء تفکر دینی، احیاء ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی و اثبات برتری آن نسبت به دیگر جهان بینی‌هاست. شهید مطهری با رهیافتی فلسفی و کلامی و سید قطب با نگرشی متأثر از کلام اشعری به بیان تعریف عدالت و راه کارهای تحقق آن پرداخته‌اند. سید قطب جامعه‌ای را که در آن حکومت

اسلامی نباشد و قوانین اسلامی اجرا نگردد، جامعه‌ای جاهلی می‌داند. شهید مطهری بر عدم جدایی سیاست و حکومت از دین تأکید دارد (نوری، ۱۳۹۱).

• سجادی (۱۳۷۸) در پژوهش «شهید مطهری و دیدگاه‌های تربیتی قرآن» به این نتیجه رسید که قرآن، مظهر رحمت و جلوه ربوبیت خداوند و کتاب شناخت و تربیت انسان است. ناکامی و گمراهی انسان از نگاه قرآن در صحنه زندگی، به اشتباه در برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری و نظام رفتار خلاصه نمی‌شود، بلکه تفسیر و تلقی غیرواقع‌بینانه از هستی را نیز در برمی‌گیرد (سجادی، ۱۳۷۸).

• محمدی (۱۳۸۰) در پژوهش «تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری» نتیجه گرفت که تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری بر پرورش فکر و اندیشه، پرورش استعدادها، آموزش فضایل اخلاقی و عبادت مبتنی است (محمدی، ۱۳۸۰).

• فتحی (۱۳۹۲) در پژوهش «آزاداندیشی در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری» نتیجه گرفت که تعقل، نبود موانع در جلوی تفکر، و تعبدی و تقلیدی عمل نکردن از عوامل اساسی مفهوم آزاداندیشی است. عوامل زمینه‌ساز آزاداندیشی دینی را می‌توان در بنیان‌های منطقی دینی و نبود حاکمیت مستبدانه جستجو کرد. روش‌های پرورش آزاداندیشی دینی نیز شامل جدال احسن، تذکر، رفق و مدارا در تبیین مسائل دینی، تسامح دینی، هدایت افکار، جستجوگری، برخورد استدلالی با جهان، تزکیه نفس و عادت به تفکر است (فتحی، ۱۳۹۲).

• سیاوشی (۱۳۸۵) در پژوهش «بررسی تطبیقی نظریه جامعیت قرآن از دیدگاه سید قطب» نتیجه می‌گیرد که تبیین قلمرو معارف قرآن از مهم‌ترین پیش‌فهم‌های تفسیر آن است. سید قطب با اهتمام بسیار به موضوع جامعیت قرآن، آن را به سان یکی از اصول اساسی خویش در تفسیر آیات قرآن و در تبیین مفاهیم و آموزه‌های دین اسلام قلمداد کرده است (سیاوشی، ۱۳۸۵).

۳. مبانی تربیت انسان از نظر قرآن

مبانی تربیت انسان از منظر قرآن از دو بخش هستی‌شناختی و انسان‌شناختی سامان می‌یابد.

۳-۱. مبانی هستی‌شناختی

مهم‌ترین گزاره‌های این مبانی شامل موارد زیر است:

۱. مبدأ و غایت آفرینش: سنگ بنای جهان‌بینی اسلامی، توحید در مبدأ و غایت است. به این معنا که در این بینش، عالم و تمامی پدیدارهای هستی، آغاز و فرجام یگانه‌ای دارند. آفریدگار هستی، همان‌سان که خالق و آغازگر آفرینش است، مقصد و هدف نهایی پدیدارها نیز به شمار می‌رود. از همین رو، مقیاس و معیار کمال هر موجود و پدیده‌ای از پدیدارهای هستی، میزان تقرب و نزدیکی او به غایت و مقصد نهایی است.

۲. هدف‌جویی پدیدارها: پدیدارهای جهان هستی، به‌طور خودکار در مسیر هدف و مقصد نهایی خود در حرکت‌اند. چنانکه قرآن می‌فرماید: «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ» (شوری، ۵۳) و «وَلِلَّهِ الْمُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (مائده، ۱۸).

در این میان، انسان به دلیل اراده و اختیار، می‌تواند در مسیر رسیدن به سعادت گام بردارد یا هدفی جز آن برگزیند؛ «وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى» (فصلت، ۱۷). از این رو، در هدف‌جویی و کمال‌انسان، تربیت و راهنمایی اراده، استعدادها و تمایلات او اهمیت می‌یابد و فرآیند تربیت اخلاقی، معنوی، روحی، روانی و جسمی، در تجلی کمالات انسانی نقشی بنیادین ایفا می‌کند.

۳. پیوند بعثت و تربیت: فلسفه بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی، جز هدایت و همراهی بشریت در مسیر تکامل، هدف‌جویی، سعادت و خوشبختی نبوده است. ایشان با آموزه‌ها و آداب شریعت، ره توشه کمالات را در اختیار انسان قرار داده و او را از انحراف و کژروی باز می‌دارند. همان‌گونه که آخرین فرستاده الهی فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». بدین‌سان، مبدأ، معاد و نبوت، شالوده‌های و راهکارهای نخستین هستی‌شناختی در تربیت قرآنی به شمار می‌روند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۴۳-۱۴۹).

۳-۲. مبانی انسان‌شناختی

ابعاد وجودی انسان

علاوه بر وجود عناصری که در جماد، گیاه و حیوان دیده می‌شود، نیرو و استعدادی در وجود

انسان است که حکایت از وجود عنصر برین و برتر در او دارد. وجود همین عنصر علوی و برتر از ماده در وجود انسان، سبب شده است تا پس از متلاشی شدن جسم، آدمی باز هم باقی بماند و حیات مستمر و جاودان داشته باشد. چنان که موجب شده است تا انسان دارای شئون و مراتب مختلف گردد و در برآیند آن، تربیت ویژه و متفاوت با سایر جانداران را برتابد و گستره امروز و فردا و فرداهای بی پایان و بی منتهای او در چشم انداز تربیت وی لحاظ گردد.

الف) ساخت مادی انسان: بخش مادی، مرتبه نازل تر وجود انسان را سامان می دهد؛ پوست و گوشت، خون و استخوان، اندام و جوارح و نیز تمایلات غریزی و حیوانی، بیانگر شأن مادی و نشان دهنده وابستگی او به حیات خاکی است. قرآن از این ساخت و بُعد وجودی انسان چنین روایت می کند: «إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ» (حجر، ۲۸) «ما انسان را از گل خشکیده ای (همچون سفال) که از گل بدبوی (تیره رنگی) گرفته شده بود آفریدیم». به خاطر همین ویژگی بود که شیطان نه تنها او را شایسته معبود و مسجود شدن نمی دید بلکه، خود را برتر از آدمی و او را مقهور قدرت خویش می انگاشت (بقره، ۳۴).

ب) ساخت ملکوتی انسان: شأن ملکوتی و الهی انسان، بالقوه دارای جمیع کمالاتی است که خداوند متعال تنها بخشی از آن را به هر یک از انواع دیگر موجودات و مخلوقات عطا فرموده. خداوند انسان را مظهر تمام کمالات آفریده های الهی در زمین قرار داده و راه رسیدن به کمالاتی را برای انسان هموار ساخته است که برای سایر پدیدارها میسر نیست (هاشمی، ۱۳۸۸، ص ۵۵-۵۸). قرآن از این ساخت و بُعد وجودی انسان نیز چنین روایت می کند: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر، ۳۹) «هنگامی که کار انسان را به پایان رساندم و در او از روح خود دمیدم، همگان بر او سجده کنید».

در مجموع، تربیت مهم ترین بخش تعلیمات و معارف قرآنی را تشکیل می دهد، با وجود این باید اذعان نمود که نظام تربیتی قرآنی هنوز به شکل اصولی، دقیق و متناسب با نیازهای جامعه اسلامی تهیه و تدوین نشده است. یکی از عوامل موثر بر تحولات اساسی در تعلیم و تربیت در قرن حاضر، تأثیر اندیشه های متفکران، مربیان و اندیشمندان مسلمان است که در پرتو تعلیم انسان ساز قرآن به موضوع انسان، تربیت، کمال و سعادت او بسیار پرداخته اند و نظام هایی فکری را برای

پاسخگویی به سوالات مربوط به انسان و تربیت او بنا گذارده‌اند. از متفکران معاصر که یادشان همواره جاودانه است، شهید آیت الله مرتضی مطهری و شهید محمد قطب فرزند سید قطب است. شهید مطهری و محمد قطب، از معدود دانشمندانی هستند که به دلیل شخصیت علمی، فلسفی و حضور جدی در حوزه مکتب‌های تربیتی و فلسفی معاصر خود و برخورداری کامل از تمامی ویژگی‌ها و شرایط لازم برای یک مفسر، توانسته‌اند گام‌های بلندی در راستای تبیین و ارائه مکتب تربیت قرآنی بردارند.

بنابراین هدف اصلی پژوهش، تبیین و بررسی مقایسه‌ای آراء شهید مطهری و قطب درباره تربیت قرآنی است. لذا پژوهش حاضر کوشیده است با نگاهی تطبیقی به بررسی تربیت قرآنی از نظر این دو متفکر مسلمان بپردازد. از این رو ابتدا دو تصویر دقیق از دیدگاه‌های شهید مطهری و قطب به تربیت قرآنی و حوزه‌های مختلف آن ارائه و سپس اشتراکات و افتراقات این دو دیدگاه از طریق مقایسه تطبیقی تحلیل و بررسی شده است. سوال‌های پژوهش به شرح ذیل است:

۱. تربیت قرآنی از دیدگاه شهید مطهری و قطب چیست و دارای چه حوزه‌هایی است؟
۲. مهم‌ترین اشتراکات و افتراقات دیدگاه شهید مطهری و قطب در تربیت قرآنی و حوزه‌های مختلف آن چیست؟

۴. روش پژوهش

روش پژوهش کیفی، از نوع توصیفی - تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی می‌باشند. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. همچنین روش تحلیل محتوای کیفی، روشی برای جستجوی ارتباط میان مفاهیم مختلف و بازشناسی روابط و شبکه‌های مفهومی است. همچنین یکی از ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی نظریه‌پردازی به جای آزمون نظریه است (ایمان، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲).

همچنین به منظور گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. اسناد مورد تحلیل نیز شامل کتب، پایان‌نامه‌ها، نشریات داخلی و خارجی، سایت‌های معتبر علمی، نظرات صاحب‌نظران و پیشینه مطالعاتی و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بوده است. پس از

گردآوری اطلاعات، به بررسی آراء و نظریات این دو متفکر در زمینه تربیت قرآنی و حوزه‌های آن پرداخته، سپس بر اساس روش تطبیقی و مقایسه‌ای تلاش شد تا وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌های آنان در حوزه‌های انسان‌شناسی، اهداف، مراحل و روش‌های تربیت در حوزه‌های مختلف آن از جمله تربیت عقلی، اخلاقی، اجتماعی و بدنی استخراج و احصاء شود.

۵. یافته‌های پژوهش

نظریات و دیدگاه‌های مطهری و قطب در مورد تربیت قرآنی را می‌توان از زوایای متعددی مورد توجه قرار داد، ولی در اینجا با تأکید بر مؤلفه‌های «تعریف انسان»، «تعریف تربیت»، «جایگاه تربیت»، «هدف تربیت»، «ابزارها و روش‌های تربیت»، «مراحل تربیت»، «تربیت عقلی، اخلاقی، اجتماعی و بدنی» مورد توجه قرار داد. آن‌چه درباره بررسی مؤلفه‌های بالا مطرح است می‌توان بحث تربیت قرآنی را تسهیل کند تا تمامی کسانی که به بحث تربیت قرآنی علاقه دارند، از آن بهره‌مند گردند. بنابراین می‌توان گفت: تربیت قرآنی به عنوان یکی از مهمترین پایه‌های نظام جامعه اسلامی تلقی می‌شود که کارکردهایی همچون انتقال فرهنگ دینی و قرآنی و جامعه‌پذیری برای حفظ نظام اجتماعی را دارد. در این زمینه مسائلی مانند تربیت عقلی، اخلاقی، اجتماعی، بدنی، حرفه‌ای و آموزش قرآن و ارزش‌های اسلامی از دیدگاه مریبان و جامعه‌شناسانی همچون شهید مطهری و قطب مطرح شده است که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم انسان

شهید مطهری در مورد انسان قائل به نظریه فطرت است. بر اساس نظریه فطرت، انسان دارای ویژگی‌هایی است که به موجب آن زندگی‌اش در حال پیشرفت و تغییر و تحول است و این ویژگی‌هاست که انسان را به مسیر پیشرفت و جلو می‌برد (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۴۸). شهید مطهری معتقد است که هر کس بالفطره همراه با سلسله ارزش‌های عالی و متعالی بالقوه متولد می‌شود؛ انسان به هنگام تولد بالقوه اخلاقی، متدین، خداجو، عدالت‌خواه، جویای معرفت و آزادی است؛ اگر در محیط و تربیت مساعد قرار گیرد این ویژگی بالقوه فعلیت می‌یابد و الا فاسد، منحرف و مسخ می‌شود (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۱۴-۱۶؛ سجادی، ۱۳۷۷، ص ۲۳).

انسان از نظر قطب عبارت است از جسم، عقل و روح. وجود هر یک از این‌ها مورد اعتراف بوده

و هر یک دارای خواسته‌های معینی هستند که باید بدان توجه نمود و آن را برآورده کرد. بدن انسان بافت و ترکیبی از گوشت و خون و ترکیبی از انگیزه فطری و شهوی سرکش است (قطب، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳). بر بنیاد تحلیل و تفسیر دیدگاه این دو اندیشمند؛ در خصوص اشتراکات آن‌ها می‌توان گفت؛ هر دو در میان آرای‌شان به این نکته اذعان دارند که انسان در میان سایر موجودات متمایز است. هر دو معتقد به ابعاد وجود انسان (جسمی، عقلی، روحی) و پرورش آن‌ها هستند و برای پرورش ابعاد آن برنامه دارند. هر دو اندیشمند دیدگاهی تهاجمی به تعلیم و تربیت غربی دارند، اما هر کدام بر طبق مشرب فکری خود. هر دو معتقدند خالق که این انسان را آفریده برای تربیت و آسایش او در دنیا برنامه (قرآن و سنت) دارد، همان‌طور که مکاتب زمینی برای تربیت انسان برنامه دارند (در خصوص اشتراکات نمی‌توان به منبع خاصی اشاره کرد).

در خصوص افتراقات دیدگاه آن‌ها می‌توان گفت؛ مطهری انسان کامل را پیامبر ﷺ، امام علی علیه السلام و امامان می‌داند که هیچ کس به پای آن‌ها نمی‌رسد، و انسان‌ها را به دو قسمت انسان سالم کامل و انسان سالم ناکامل تقسیم می‌کند. لذا انسان‌ها می‌توانند به کمال برسند اما به صورت نسبی (مطهری، ۱۳۹۰). اما محمد قطب معتقد است؛ بعد از پیامبر ﷺ می‌توان با تربیت ابعاد سه‌گانه انسان (جسمی، عقلی، روحی) طبق قرآن و سنت، جایگاه او را بالا برد. قطب معتقد است، تربیت انسان در اسلام با تربیت انسان در غرب تفاوت دارد و در نتیجه محصول تربیتی دو نظام غربی و اسلامی بسیار متفاوت است (قطب، ۱۳۹۱).

۲. مفهوم تربیت

نظریات و دیدگاه‌های مطهری و قطب در مورد تربیت قرآنی:
نظریات و دیدگاه‌های مطهری و قطب در مورد تربیت قرآنی را می‌توان از زوایای متعددی مورد توجه قرار داد، ولی در اینجا با تأکید بر مؤلفه‌های «تعریف انسان»، «تعریف تربیت»، «جایگاه تربیت»، «هدف تربیت»، «ابزارها و روش‌های تربیت»، «مراحل تربیت»، «تربیت عقلی، اخلاقی، اجتماعی و بدنی» مورد توجه قرار داد. آن‌چه درباره بررسی مؤلفه‌های بالا مطرح است می‌تواند بحث تربیت قرآنی را تسهیل کند تا تمامی کسانی که به بحث تربیت قرآنی علاقه دارند، از آن بهره‌مند گردند.

بنابراین می‌توان گفت: تربیت قرآنی به عنوان یکی از مهمترین پایه‌های نظام جامعه اسلامی تلقی می‌شود که کارکردهایی همچون انتقال فرهنگ دینی و قرآنی و جامعه‌پذیری برای حفظ نظام اجتماعی را دارد. در این زمینه مسائلی مانند تربیت عقلی، اخلاقی، اجتماعی، بدنی، حرفه‌ای و آموزش قرآن و ارزش‌های اسلامی از دیدگاه مریبان و جامعه‌شناسانی همچون شهید مطهری و قطب مطرح شده است که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

تعریف تربیت:

مطهری: تربیت، پرورش استعدادهای درونی و به فعلیت درآوردن آن‌هاست. وی معتقد است در پرورش انسان در مقایسه با نباتات و حیوانات مسائل بیشتری وجود دارد. مثلاً شاید در گل‌ها و درخت‌ها نشود یک استعداد را پرورش داد و استعداد دیگری را راکد گذاشت، ولی در انسان این جهت ممکن است که یک استعداد از استعدادهای انسان پرورش یابد و استعدادهای دیگر پرورش نیابد و این خود منشاء عدم تعادل در انسان می‌شود، و بنابراین ضرورت دارد که در پرورش انسان تعادل میان استعدادهای طبیعی باشد (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۷۶-۷۷).

قطب: تربیت، پرورده و پرداختن انسان به تمامی است، بدون این‌که چیزی را نادیده بگیرد و از آن غافل شود. پس همه جنبه‌های جسمانی، عقلانی، روحانی و زندگی مادی و معنوی و همه فعالیت‌های وی روی زمین را شامل می‌شود. به نظر قطب تربیت در اسلام، موجود بشری را آن‌گونه که هست با توجه به طبیعت و سرشت و فطرتی که خداوند بشر را برای آن آفریده است، به آن می‌پردازد (قطب، ۱۳۸۹، ص ۲۷-۲۸).

اشتراکات و افتراقات در تعریف تربیت:

اشتراکات: هر دو اندیشمند معتقد به تربیت و تعریف آن در راستای اسلام می‌باشند و معتقدند دین اسلام درباره تربیت و رساندن انسان به کمال برنامه برای تمام مراحل دارد.

افتراقات: شهید مطهری در تعریف تربیت بیشتر به چگونگی ساختن (مورد تربیت) از لحاظ اینکه آیا تربیت برای مورد تربیت شده مفید است یا نه؟ و یا برای دیگران مفید است یا خیر؟ می‌پردازد. ایشان مثال اخته کردن گوسفند و برده را می‌زند که برای خودشان مفید نیست بلکه برای صاحبان آن‌ها مفید است، اما در کل معتقد به فواید تربیت برای انسان می‌باشد. مطهری

بیشتر به استدلال فلسفی در تعریف تربیت متوسل می‌شود (مطهری، ۱۳۸۳). اما قطب در تعریف تربیت بیشتر به آیات قرآن و سنت توجه دارد.

۳. هدف تربیت

مطهری: هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی تقرب الهی است، لذا نظام تعلیم و تربیت اسلامی باید مبنای رسیدن به این هدف والای تربیتی را فراهم نماید. همچنین برای رسیدن به هدف غایی باید به سایر اهداف تربیت اسلامی نیز نگاه کرد، زیرا این اهداف در ارتباط با هدف غایی هستند. از دیدگاه شهید مطهری اسلام برای تربیت و تزکیه اهمیت زیاد قائل است؛ «هُوَ الَّذِي يَعْثُ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه، ۷) (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۱۶-۱۷ و ۷۷).

قطب: هدف تربیت، همان «کمال یابی انسان» و یا به تعبیری رساندن انسان به کمال مطلوب و ممکن برای او می‌باشد، زیرا آفرینش انسان و ترکیب وجودی او به گونه‌ای است که می‌تواند از راه‌ها و شیوه‌های گوناگون به پیشرفت و تعالی دست یابد و ابعاد وجودی خویش را گسترش و کمال بخشد. با توجه به این زمینه‌ها و استعدادها، انسان رو به سوی کمال مطلق دارد و همواره در صدد صعود به مدارج عالی انسانی است و از رسیدن به هیچ درجه‌ای سیری نمی‌پذیرد (قطب، ۱۳۶۲، ص ۳۰۹).

اشتراکات و افتراقات در هدف تربیت:

اشتراکات: هر دو معتقد به این می‌باشند که مکتب اسلام از تربیت هدفی دارد همان‌طور که از اقتصاد، سیاست و غیره هدف دارد. هر دو به آیات قرآن و احادیث پیامبر ﷺ درباره تربیت استناد می‌کنند و اهمیت هدف در تربیت را روشن می‌نمایند و علم و تربیت را دو به عنوان فریضه و واجب و به تزکیه و حکمت و فایده علم اشاره دارند، هر دو اندیشمند از آموزه‌های قرآنی این دریافت را دارند که عالم با غیرعالم برابر نیست. (در خصوص اشتراکات نمی‌توان به منبع خاصی اشاره کرد).
افتراقات: مهمترین افتراق دیدگاه دو اندیشمند در هدف تربیت این است که مطهری به صورت کلی درباره هدف تربیت به آیات و احادیث و تزکیه نفس و تعلیم حکمت اشاره می‌کند و به گفتن مزایای آن توجه دارد (مطهری، ۱۳۸۳)، اما قطب بصورت جزئی و تفصیلی تر هدف و ثمره تربیت را در

آیات قرآن، در گفتار و رفتار پیامبر ﷺ و یارانش ﷺ اشاره دارد و مثال‌هایی درباره هدف و ثمره تربیت را در آیات گوناگون قرآن نشان می‌دهد (قطب، ۱۳۶۲).

۴. روش‌های تربیت قرآنی

مطهری: روش‌های تربیت قرآنی را به شرح زیر می‌دانند: تقویت اراده، عبادت، محبت، تقویت حس حقیقت‌جویی، مراقبه و محاسبه، مشارطه، معاتبه، تفکر، محبت اولیا، ازدواج و جهاد و کار.

قطب: روش‌های تربیت قرآنی را شامل روش‌های ذیل می‌داند: ارائه الگو و نمونه عملی، پند و اندرز، کیفر و پاداش، داستان و امثال، عادت دادن و بیان پیشامدها. قطب ویژگی این روش‌ها را عبارت می‌داند از، رسیدگی همه‌جانبه این روش‌ها به سرشت و آفرینش بشر و این‌که هیچ چیز را در این میان جای نگذاشته و از هیچ جنبه‌ای چشم‌پوشی نمی‌کند، لذا تمام وجود بشر را آن‌گونه که هست و آن‌چنان که خدا آفریده مورد توجه قرار می‌دهد (قطب، ۱۳۶۲، ص ۳۳).

جدول ۱. روش‌های تربیتی از دیدگاه استاد مطهری و قطب (اقتباس از مطهری، ۱۳۸۶؛ قطب، ۱۳۶۲)

خلاصه روش‌های تربیتی از دیدگاه قطب	خلاصه روش‌های تربیتی از دیدگاه مطهری
ارائه الگو و نمونه عملی در قرآن	تقویت اراده (عبادت)
روش پند و اندرز در قرآن	محبت اولیاء
کیفر در قرآن	تقویت حس حقیقت‌جویی
پاداش در قرآن	مراقبه و محاسبه، مشارطه، معاتبه، مراقبه
داستان و امثال در قرآن	پرورش عقل، جسم و روح
عادت در قرآن	تلاش و جهاد
بیان عواقب کارها در قرآن	کار در اسلام

با توجه به تحلیل و تفسیر دیدگاه‌های مطهری و قطب، می‌توان نکات زیر را در مورد اشتراکات و افتراقات روش‌های تربیتی آن‌ها مطرح کرد:

اشتراکات:

هر دو اندیشمند در روش های تربیتی خود از آموزه های اسلامی، بر اساس مشرب فکری خود، برای پرورش مربیان و افراد دیگر بهره می گیرند.

هر دو بر اهمیت پیشگیری از عوامل ضد تربیتی و ایجاد محیطی مناسب برای رشد عقلی، روحی و جسمی در تربیت مربیان تأکید دارند.

افتراقات:

در روش های تربیتی این دو اندیشمند، تمایز چشمگیری مشاهده نمی شود.

۵. مراحل تربیت

طب بر این باور است که تربیت انسان نیازمند زمان بیشتری نسبت به تربیت سایر موجودات است. او می گوید: «این را به روشنی می بینیم و امری آشکار است که کودک انسان به زمان بیشتری برای تربیت نیاز دارد، بیشتر از زمان تربیت برای فرزند هر حیوانی دیگر. همان گونه که تربیت کودک انسان تا جایی که توانایی ادراک مقتضیات زندگی انسانی و اجتماع مترقی - که انسان با آن از حیوانات متمایز می شود - را بیابد، به زمان بسیار بیشتر دیگری هم نیاز است.» (علوی نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۴۳). از این رو، طب تأکید می کند که تربیت و آماده سازی مسیری میان بر ندارد و انسان برای تربیت پذیری، که لازمه ی آن تغییر و تحول است، به زمان طولانی نیاز دارد.

محمد قطب مراحل تربیت را به چهار دوره تقسیم می کند: کودکی تا نوجوانی، نوجوانی تا جوانی، جوانی تا دوره پختگی، و پختگی تا حد کمال (قطب، ۱۳۶۲، ص ۲۴). وی پس از تعیین این مراحل، ویژگی ها و روش های تربیتی خاصی را برای هر دوره مشخص می کند که در جدول زیر ارائه می شود.

جدول ۲. مراحل تربیت از دیدگاه قطب (اقتباس از قطب، ۱۳۶۲)

کودکی تا نوجوانی	نوجوانی تا آغاز جوانی	جوانی تا پختگی	پختگی تا حد کمال
• تربیت بوسیله عادت • تربیت از راه عادت • تربیت از راه داستان • ورود به مدرسه • صداقت • طلب علم • استقلال • مسئولیت • محبت • امانت • تلاش و بازی • تسلیم خدا • عبادت	• جدایی پسر و دختر • تأکید بر تربیت عملی • قیامت و بحث آخرت • مسائل اجتماعی • میل به ازدواج • عفت پیشگی در برابر میل جنسی • امتحان الهی و بهشت • توجه عمیق تر به عبادت	• ویژگی‌های پسران و دختران • وصایای مختلفی • تربیت بدنی • تلاش جسمی و فکری • توجه عملی به عبادت • توجه به مسلمانان و بشریت • قیامت، امتحان و اجر • اخروی • تقوای خداوند • استقلال اقتصادی و ازدواج • نوع دوستی و همدردی با انسان‌ها	• اشاره به خلقت • پایبند به حدود الهی • تلاش جهت تحقق هدف غایی تربیت (انسان صالح) • صفات انسان صالح • تفکر و تدبیر در خلقت • عدالت و توجه بیشتر به آن • قیامت و توجه بیشتر به آن • کار و اشتغال • عبادات و اخلاق • همکاری اجتماعی

شهید مطهری، در حالی که مرحله بندی مشخصی برای تربیت ارائه نمی دهند، بر اهمیت تربیت در سی سال اول زندگی انسان تأکید کرده و در این دوره به مواردی چون توجه به روح تربیت، پرورش جسم، و همچنین اهمیت اسلام، هنر و موسیقی اشاره دارند (مطهری، ۱۳۸۶).

مهم ترین تشابه کلی میان این دو اندیشمند، بهره گیری از آموزه های اسلامی برای استخراج مراحل تربیتی و تأکید بر این نکته است که تنها آموزه های اسلامی می توانند به سعادت واقعی فرد در دنیا و آخرت و تربیت صحیح او را به ارمغان بیاورند.

در زمینه افتراقات، سید قطب چهار مرحله مشخص برای تربیت تعیین کرده اند، در حالی که شهید مطهری چنین طبقه بندی جامعی را ارائه نداده و تنها به اهمیت تربیت در سی سال اول زندگی اشاره ای کوتاه دارند.

۶. تربیت عقلی

شهید مطهری بر این باورند که اسلام، طرفدار و حامی جدی تعقل است (مطهری، ۱۳۸۶). ایشان با استناد به آیات ۱۷ و ۱۸ سوره زمر، تفاوت میان "سماع" (شنیدن بدون قصد و اراده) و "استماع" (گوش فرا دادن فعال و با دقت) را توضیح می دهند و بر لزوم پیروی از سخن برتر تأکید می کنند:

«وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۷-۱۸)

«و کسانی که از طاغوت ها دوری کرده و به سوی خدا بازگشته اند، مژده بادشان! پس بندگان مرا بشارت ده؛ همان کسانی که سخن را با دقت می شنوند و بهترین آن را پیروی می کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و همان خردمندان واقعی اند.»

سید قطب نیز در باب تربیت عقلی بیان می کنند که اسلام، با ارائه کتب آسمانی، بخشی از عالم غیب را نصیب انسان کرده و میل او به کشف مجهولات را ارضا می سازد. اما برای استدلال و شناخت حقیقت و تمرین عقل ورزی، دو روش را مطرح می کنند:

۱. قرار دادن یک روش صحیح برای تربیت عقلی.
۲. دقت و تأمل در قوانین جهان هستی و پیوستگی و ارتباط میان آن ها (قطب، ۱۳۸۹).

جدول ۳. تربیت عقلی از دیدگاه قطب (اقتباس از مطهری، ۱۳۸۶؛ قطب، ۱۳۸۹)

تربیت عقلی از دیدگاه قطب	تربیت عقلی از دیدگاه مطهری
تعقل در قرآن: (سوره زمر آیه ۱۸/۱۷)، (بقره، ۱۷۰) (النجم، ۲۳) (النجم، ۲۸)	تعقل در قرآن: (سوره زمر آیه ۱۸/۱۷)، (بقره، ۱۷۰) (النجم، ۲۳) (النجم، ۲۸)
عقل و جهل در روایات اسلامی	عقل و جهل در روایات اسلامی
روش اول: پایه گذاری روشی صحیح برای تربیت عقلی	روش دوم: دقت و تأمل در قوانین هستی به عنوان مخلوق خداوند
روش دوم: دقت و تأمل در قوانین هستی به عنوان مخلوق خداوند	اهتمام مسلمانان صدر اسلام به پیشرفت علم

اشتراکات:

هر دو اندیشمند (مطهری و قطب) به تربیت عقلی اهمیت فراوانی می دهند و در تلاشند تا مبانی آن را از دل اسلام، قرآن و روایات استخراج کنند. آن ها حوادث تاریخی که در آن مسلمانان به عقل توجه نشان داده اند را نمونه ای مطلوب و الگو می دانند و موفقیت های مسلمانان در عرصه هایی

چون فیزیک، ریاضی، شیمی و جغرافیا را به عنوان شاهد مثال ذکر می‌کنند. هر دو، دانش و حکمت را گمشته مؤمن می‌شمارند و معتقدند که مؤمن از هر کسی سزاوارتر به دستیابی به آن است (مطهری، ۱۳۸۶: قطب، ۱۳۸۹).

افتراقات:

در بررسی آراء دو اندیشمند، تفاوت چشمگیری در میزان توجه به تربیت عقلی مشاهده نمی‌شود. تنها نکته قابل ذکر این است که محمد قطب دو روش مشخص برای تدبیر و تعقل پیشنهاد داده‌اند که ظاهراً در آثار تربیتی مرتضی مطهری به این صراحت بیان نشده است.

۷. تربیت اخلاقی

شهید مطهری در بحث تربیت اخلاقی معتقدند که فعل اخلاقی، فعلی است که هدف از آن، کسب منافع مادی و فردی نباشد. این فعل می‌تواند ناشی از احساسات نوع‌دوستانه، زیبایی‌شناسی، تعالی روح، استقلال عقل یا هوشیاری باشد. مهم این است که «خود» و منفعت فردی در آن دخیل نباشد. ایشان تأکید می‌کنند که نیازی نیست به مکتب خاصی پایبند باشیم و تنها بر محبت، زیبایی یا عقل مجرد تکیه کنیم. فعل اخلاقی، فعلی است که هدف آن جلب منافع دنیوی نباشد، خواه نتیجه آن نفع رساندن به دیگران باشد یا هر چیز دیگر (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵-۱۳۶).

محمد قطب در کتاب «قبسات من الرسول» به حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ اشاره می‌کند که ابودر غفاری آن را روایت کرده است:

«هر عضوی از بنی آدم هنگام طلوع خورشید صدقه‌ای به ازای آن واجب است.» پرسیدند: ای پیامبر خدا! از کجا این همه صدقه بیاوریم؟ پیامبر ﷺ فرمودند: «میدان خیر بسیار وسیع است: «سبحان الله»، «الحمد لله»، «الله اکبر»، «لا اله الا الله»، امر به معروف، نهی از منکر، برداشتن مانع از سر راه، رساندن سخن به ناشنوا، راهنمایی نابینا، برطرف کردن نیاز نیازمند، کمک به سرگشته، یاری رساندن با نیروی پا، و کمک به ضعیف با نیروی بازو، همه این‌ها صدقه‌ای است از شما بر شما.»

همچنین، قطب از پیامبر ﷺ روایت می‌کند که: «لبخند شما بر روی برادرت صدقه است، برداشتن خاری از سر راه صدقه است، و هدایت فردی که راه گم کرده صدقه است.»

قطب با استناد به این احادیث، مفهوم صدقه را از معنای محدود و ملموس امروزی فراتر برده

و آن را به جهانی وسیع از معنویات گسترش می‌دهد. به این ترتیب، هر کار نیک، صدقه محسوب می‌شود و بر هر فردی واجب است (قطب، ۲۰۰۶).

جدول ۴. تربیت عقلی از دیدگاه قطب (اقتباس از مطهری، ۱۳۸۶؛ قطب، ۲۰۰۶)

تربیت اخلاقی از دیدگاه قطب	تربیت اخلاقی از دیدگاه مطهری
تعریف اخلاق	تعریف فعل اخلاقی
نیروی اخلاق از نیروهای روح است	رضای خدا
اخلاق (صدقه) (تسبیحات) (شکر)	دین تنها ضامن اجرای اخلاق
اخلاق (امر به معروف و نهی از منکر)	انسان دوستی
اخلاق (برداشتن اذیت و مانع بر سر راه دیگران)	خود مذهبی
اخلاق (راهنمایی سرگشتگان و غریبه‌ها)	احسان به غیر مسلمان
اخلاق (لبخند بروی دیگران)	وجدان عمومی
ثمره و نتیجه اخلاق	—

اشتراکات:

هر دو اندیشمند، مطهری و قطب، بر اهمیت و جایگاه تربیت اخلاقی مبتنی بر دین و مذهب تأکید دارند؛ زیرا معتقدند تنها ایمان دینی و مذهبی قادر است اخلاق و عواطف مثبت و پایدار را ایجاد و حفظ نماید. هر دو بر این باورند که محبت و احسان به انسان‌ها (چه مسلمان و چه غیرمسلمان) نوعی عبادت، احسان و صدقه در پیشگاه خداوند محسوب می‌شود. آن‌ها تربیت عاطفی (به گونه‌ای که فرد در نزد پروردگار برای خود حسابی باز کند) را موجب ایجاد الفت، مودت و استحکام جامعه از یک سو، و شادابی و خوشحالی درونی فرد از سوی دیگر می‌دانند.

افتراقات:

در خصوص تربیت اخلاقی، تفاوت چشمگیری میان دیدگاه‌های دو اندیشمند مشاهده نمی‌شود. با این حال، می‌توان گفت که شهید مطهری با مطالعه و تحلیل مکاتب اخلاقی دیگر، برتری اخلاق دینی و مذهبی را اثبات می‌کند و به انواع اخلاق (مانند تعریف فعل اخلاقی، رضای خدا، خودمذهبی و وجدان عمومی) اشاره دارد. در مقابل، محمد قطب بیشتر بر اخلاق دینی و برخورد

مناسب با دیگران به عنوان صدقه و تقرب به خداوند تأکید می‌ورزد و صدقه را تنها به امور مادی محدود نمی‌کند، بلکه اخلاق نیکو با هم‌نوعان را نیز نوعی صدقه، تقرب به خداوند و ذخیره‌ای برای آخرت می‌داند.

۸. تربیت اجتماعی

شهید مطهری معتقدند که تربیت اجتماعی یک جریان تکوینی و تعاملی است که باید مبتنی بر روش «کشف» باشد، نه «کسب». زیرا کودک در فرایند کشف است که «اجتماعی شدن» را شخصاً تجربه می‌کند. به عبارت دیگر، در فرایند «اجتماعی شدن»، فرد از «تقلید» به «تحقیق»، از «دیگرپیروی» به «خودپیروی»، از «هم‌گرایی» به «واگرایی» و از «هنجارپذیری» به «هنجارآفرینی» ارتقا می‌یابد. او از تقلید کورکورانه، افکار عمومی و تأثیرپذیری بی‌قید و شرط از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی رها می‌شود. وی معتقد است که در اسلام، دو نوع دفاع وجود دارد: دفاع از حق به معنای حقیقت و دفاع از حق به معنای حقوق اجتماعی. هر جا حقیقتی در اجتماع پایمال شود، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با منکرات و ترویج و اشاعه نیکی‌ها (از دیدگاه اسلام) ضرورت می‌یابد. امر به معروف و نهی از منکر، نیازمند شجاعت و نیرومندی است و مختص مردان نیست (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۱۱).

محمد قطب نیز در بحث تربیت اجتماعی با استناد به حدیث شریف نبوی «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (همه شما نگهبانید و همه شما در برابر زیردستان خود مسئولید) تأکید می‌کند که تمام افراد جامعه اسلامی در برابر نعمت‌های الهی و در ارتباط با سایر انسان‌ها و مسلمانان، مسئولیت جمعی دارند و در قیامت مورد سؤال قرار خواهند گرفت. همچنین، با استناد به آیه ۲۵ سوره انفال «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (و از فتنه‌ای بپرهیزید که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد و بدانید که خداوند سخت‌کیفر است)، بر ضرورت پرهیز از فتنه‌ها و احساس مسئولیت در قبال جامعه تأکید می‌کند (قطب، ۱۳۸۹).

اشتراکات (تربیت اجتماعی):

تربیت اجتماعی از دیدگاه هر دو اندیشمند، از سایر انواع تربیت‌های اخلاقی، عاطفی و جسمانی جدا نیست، بلکه همه انواع تربیت، مانند رشته‌هایی به هم پیوسته، انسان را در مسیر تربیت به

خدا مرتبط می‌سازند و او را به عمل و می‌دارند. بنابراین، در تربیت اجتماعی، هر دو اندیشمند بر دفاع از حق و حقیقت در جامعه اسلامی، خدمت به بشریت (به‌طور عام و به‌ویژه به هم‌نوعان مسلمان)، احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت فرد و اجتماع تأکید دارند. هر دو اندیشمند در آموزه‌های خود به آیات قرآن (مانند سوره‌های توبه، ۷۱، شعراء، ۲۲۴-۲۲۷، انفال، ۲۵، مائده، ۷۸ و ۷۹، نور، ۵۵) به صورت جداگانه و ضمنی برای تربیت اجتماعی استناد می‌کنند (مطهری، ۱۳۷۴؛ قطب، ۱۳۸۹). همچنین، هر دو صرفاً از آیات و احادیث پیامبر ﷺ استفاده می‌نمایند.

افتراقات (تربیت اجتماعی):

شهید مطهری علاوه بر قرآن و احادیث، از نظرات فلاسفه غربی نیز در تربیت اجتماعی بهره می‌گیرند (مطهری، ۱۳۷۴)، در حالی که محمد قطب صرفاً از قرآن و سنت پیامبر ﷺ استفاده می‌کنند.

۹. تربیت بدنی

شهید مطهری معتقدند که در اسلام، تن‌پروری به مفهوم صحیح کلمه (یعنی پرورش جسم و تقویت قوای آن) نه تنها مذموم نیست، بلکه ممدوح نیز هست. ایشان تأکید می‌کنند که اسلام، تن‌پروری به معنای نفس‌پروری و شهوت‌پرستی را شدیداً محکوم کرده است، اما پرورش بدن به معنای مراقبت و حفظ سلامت و بهداشت را از واجبات شمرده و هر نوع عملی را که برای بدن زیان‌بخش باشد، حرام دانسته است (مطهری، ۱۳۷۹).

محمد قطب نیز معتقد است که رهنمودهای اسلام در این باره بسیار است. تیراندازی، اسب‌سواری و سایر ورزش‌های بدنی (که در احادیث به آن‌ها اشاره شده است) جزئی از روش تربیت اسلامی محسوب می‌شوند و هدف از آن‌ها، تقویت و پرورش جسم برای بهره‌برداری کافی از زندگی و لذت بردن از آن است. رسول خدا ﷺ به این مطلب توجه کامل داشته‌اند که فرموده‌اند: «بدن بر تو حقی دارد»؛ بنابراین، باید با تغذیه مناسب، استراحت کافی، پاکیزگی و نیرومند کردن، حق بدن را ادا کرد تا انسان بتواند از آن بهره‌ای پاکیزه و حلال ببرد (کرم‌علیان، ۱۳۸۳، ص ۷۰).

اشتراکات (تربیت بدنی):

هر دو اندیشمند معتقدند که باید از بدن مراقبت کرد و حقوق آن را طبق فرامین قرآن رعایت نمود. همچنین، هر دو معتقدند که پرورش بدن با تن‌پروری (که امری مذموم است) تفاوت دارد و

باید بین این دو تمایز قائل شد. هر دو تأکید می‌کنند که باید نیازهای متنوع بدن (مانند نیازهای جنسی، غذایی، استراحت و ورزش) را به درستی تأمین کرد و آن‌ها را سرکوب نکرد، بلکه باید آن‌ها را در جهت فرامین خداوند در قرآن و سنت پیامبر ﷺ هدایت نمود. هر دو معتقدند که بدن یک سرمایه است و باید با دعا و عمل، برای حفظ آن تلاش نمود. مؤمن قوی، بهتر از مؤمن ضعیف است و باید از پرخوری پرهیز کرد (مطهری، ۱۳۷۹؛ قطب، ۱۳۸۹).

افتراقات (تربیت بدنی):

تفاوت برجسته‌ای در دیدگاه‌های این دو اندیشمند در زمینه تربیت بدنی مشاهده نمی‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

تعلیم و تربیت، کم و بیش، در تمامی مکاتب زمینی و آسمانی و در آراء بیشتر دانشمندان مورد توجه بوده است. به سختی می‌توان تصور کرد که مکتب یا اندیشمندی، به مسأله‌ای حیاتی مانند تعلیم و تربیت (که به انسان‌سازی و ساختن جامعه مطلوب می‌پردازد) بی‌توجه باشد. به یقین، مکاتب و اندیشمندان، در حد توان خود، چه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، تفصیلی یا اجمالی، تک‌بعدی یا چندبعدی، برنامه، مبانی، اصول و روش‌هایی برای تربیت انسان و جامعه مطلوب ارائه داده‌اند.

اسلام نیز، همانند سایر مذاهب و مکاتب، دارای آراء تربیتی است. اهمیت تربیت در اسلام، از نخستین آیه‌ای که بر پیامبر ﷺ نازل شده «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»؛ (بخوان به نام پروردگارت که بیافرید) قابل درک است. شهید مطهری و محمد قطب، از بزرگ‌ترین متفکران جهان اسلام هستند که پژوهش‌های گسترده‌ای درباره انسان و تربیت قرآنی او انجام داده‌اند و نگاهی تقریباً نزدیک (و بیشتر متأثر از قرآن و سنت) دارند، اما در برخی موارد نیز با یکدیگر اختلافاتی دارند. مطهری، انسان کامل را پیامبر ﷺ و ائمه اهل بیت (به ویژه حضرت علی علیه السلام) می‌داند و به تربیت سایر انسان‌ها نیز توجه دارد، اما معتقد است که کسی نمی‌تواند به جایگاه آنان برسد. در مقابل، محمد قطب معتقد است که با تربیت ابعاد سه‌گانه انسان (جسمی، روحی و عقلی) می‌توان او را در دنیا و آخرت به سعادت و خوشبختی رساند، مشروط بر اینکه خود فرد خواهان آن باشد. او همه انسان‌ها را، به شرط پابندی به فطرت، شایسته کمال می‌داند و هیچ محدودیتی برای هیچ‌کس قائل نیست. درباره هدف تربیت،

هر دو اندیشمند معتقدند که این امر، یک فریضه و وظیفه است. همچنین، در استفاده از آیات و احادیث، مطهری نگاهی کلی دارد، در حالی که قطب نگاه تفصیلی تری ارائه می دهد.

در خصوص روش های تربیت قرآنی، هر دو روش های مخصوص به خود را دارند که برگرفته از مکتب اسلام است و مجموع آن ها می تواند به عنوان یک روش خوب مطرح شود. در بحث مراحل تربیت، وجه اشتراک آن ها این است که مراحل مذکور را از مکتب اسلام گرفته اند. اما در مرحله بندی تربیت، محمد قطب مراحل عمر انسان را به چهار مرحله تقسیم نموده و برای هر مرحله، روش های تربیتی ویژه ای را پیشنهاد می کند، در حالی که شهید مطهری فاقد چنین مرحله بندی ای است. در بحث تربیت عقلی، هر دو اندیشمند به اهمیت این نوع تربیت توجه داده اند و سعی دارند به آیات و احادیثی که به اهمیت و توجه به عقل اشاره دارند، توجه نمایند و حتی از مثال ها به عنوان ابزار استفاده می کنند.

درباره تربیت اخلاقی (که برگرفته از دین اسلام است)، هر دو متفق القول اند. قطب بیشتر اخلاق را در قرآن و سنت پیامبر ﷺ جست و جو نموده است، اما شهید مطهری علاوه بر قرآن و سنت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام، به دیدگاه غیرمسلمانان نیز نظر دارد و در نتیجه، اخلاق اسلامی را به عنوان اخلاق برتر معرفی می کند. همچنین، در بحث تربیت اجتماعی، هر دو معتقد به تربیت اخلاقی در اجتماع می باشند و به اهمیت آن اذعان داشته و احساس مسئولیت می کنند. در بحث تربیت بدنی نیز، هر دو معتقد به پرورش بدنی و جسمی در اسلام می باشند و تربیت بدنی را جزء برنامه های تربیتی (و حتی عبادی) می دانند که نباید در مورد آن اهمال شود و به روش هایی برای تربیت جسمانی و بدنی نیز قائل هستند.

در مجموع، مطهری علاوه بر قرآن و سنت، از فلسفه و نظرات متفکران غیرمسلمان نیز در تبیین امور و بیان دیدگاهش استفاده می نماید، اما قطب صرفاً از قرآن و سنت در این مورد بهره می گیرد.

فهرست منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (۱۳۸۰).
۱. احمدی، سید جواد، «رابطه دین و تمدن از دیدگاه سید قطب و شهید مطهری»، پایان نامه مقطع کارشناسی رشته فقه و معارف اسلامی، دانشگاه عالی فقه و معارف اسلامی، (۱۳۸۶).
۲. ایمان، محمد تقی، مبانی پارادایمی روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه، (۱۳۹۰).
۳. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد دوم، تهران: موسسه فرهنگی برهان (انتشارات مدرسه)، (۱۳۹۰).
۴. سجادی، سید ابراهیم، «شهید مطهری و دیدگاه های تربیتی قرآن»، فصل نامه پژوهش های قرآنی. شماره های ۱۷ و ۱۸، بهار و تابستان، ص ۷۴-۱۱۷، (۱۳۷۸).
۵. سجادی، سید ابراهیم، «ماهیت تربیت قرآنی در نگرش علامه فضل الله»، دو فصل نامه پژوهش های قرآنی، ش ۶۵ و ۶۶، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۵۲-۸۱، (۱۳۹۰).
۶. سجادی، جمال، سیری در اندیشه های استاد شهید مطهری، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (۱۳۷۷).
۷. علوی نژاد، سید حیدر، «واقع گرایی تربیت قرآنی از نگاه سید قطب»، دو فصل نامه پژوهش های قرآنی، ش ۶۱، سال ۱۶، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۳۸-۱۶۱، (۱۳۸۹).
۸. سیاوشی، کریم، «بررسی تطبیقی نظریه جامعیت قرآن از دیدگاه سید قطب»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۶، ص ۷-۲۶، (۱۳۸۵).
۹. قطب، محمد، انسان بین مادیگری و اسلام، ترجمه سید هادی خسروشاهی و سید ضیاء الدین روحانی، تهران: انتشارات دارالعلم، (۱۳۹۱).
۱۰. _____، روش تربیتی اسلام، ترجمه سید محمد مهدی جعفری، تهران: انتشارات انجام کتاب، (۱۳۶۲).
۱۱. _____، روش تربیتی در اسلام و کاربرد عملی آن، ترجمه محمود ابراهیمی، سنندج: انتشارات سنندج، (۱۳۸۹).
۱۲. _____، قیسات من الرسول، انتشارات دارالشروق، (۲۰۰۶).
۱۳. فتحی، زهرا، «آزاد اندیشی در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری»، فصل نامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و یکم، ش ۱۹، تابستان، ص ۳۱-۵۵، (۱۳۹۲).
۱۴. کرم علیان، حسن، «عناصر تربیتی انسان طبیعی و آرمانی در تعلیم و تربیت اسلامی»، فصل نامه اندیشه دینی، دوره چهار، ش ۱۱، تابستان، ص ۶۱-۷۶، (۱۳۸۳).
۱۵. محمدی، مهدی، «تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری»، مجله کیهان فرهنگی، ش ۱۸۱، آبان، ص ۲۶-۲۹، (۱۳۸۰).
۱۶. مطهری، مرتضی، انسان کامل، تهران: انتشارات صدرا، (۱۳۹۰).
۱۷. _____، «فطرت از دیدگاه قرآن و فلسفه»، مجله رشد معارف، ش ۱۱، پاییز، ص ۱۱، (۱۳۷۴).
۱۸. _____، تعلیم و تربیت در اسلام، ویرایش دوم، تهران: انتشارات صدرا، (۱۳۸۳).

۱۹. ———، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا، (۱۳۸۶).
۲۰. مکارم شیرازی، آیت‌اله العظمی ناصر، پیام قرآن، جلد ۱۸، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۷۷).
۲۱. نوری، حسین، «احیاء فکر دینی - مقایسه آراء سید قطب و شهید مطهری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، (۱۳۹۱).
۲۲. هاشمی، سیدحسین، چیستی و اهداف تربیت از دیدگاه قرآن، دو فصل‌نامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۵۹-۶۰، ص ۳۰-۷۱، (۱۳۸۸).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی